

بررسی عوامل ایجاد انگیزه از دیدگاه نظریه پردازان حوزه آموزشی در دانش آموزان

جاسم ارضی بوزنجانی^۱، ملیحه قاسمی نژاد^۲، آتیه وزیری جمیل^۳

^۱ کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه شیراز

^۲ کارشناسی ارشد ریاضی، دانشگاه ملی بیرجند

^۳ کارشناسی دبیری الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پردیس علامه طباطبایی ارومیه

چکیده

انگیزش را می‌توان عامل نیرو دهنده، هدایت کننده و نگهدارنده رفتار تعریف کرد. در حقیقت انگیزش چیزی است که فرد را به پیش رفتن وا می‌دارد؛ در حال پیش رفتن نگر می‌دارد و تعیین می‌کند که به کجا باید رفت. انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان، به معنای تمایل درونی آن‌ها برای مشارکت طولانی مدت و با کیفیت، در فرآیند یادگیری، و متعهد ماندن به این فرآیند است. این تمایل می‌تواند ناشی از انگیزه‌های درونی یا منابع بیرونی باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل ایجاد انگیزه از دیدگاه نظریه پردازان حوزه آموزشی در دانش آموزان و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که انگیزه یکی از مهم‌ترین عناصر یادگیری و آموزش اثربخش است که باعث آماده ساختن دانش آموز برای یادگیری، فعال نگه داشتن او در طول یادگیری و افزایش توجه و دقت وی برای تمرکز بیشتر می‌شود. از میان عوامل موثر بر ایجاد انگیزه، تشویق و تنبیه را می‌توان برشمرد. نقش تشویق در ایجاد علاقه و انگیزه به مراتب مهمتر و مؤثرتر از نقش تنبیه بوده و باعث برانگیختگی بیشتر قوای دانش آموزان در جهت پیشرفت تحصیلی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ایجاد انگیزه، یادگیری، دانش آموزان، تشویق، تنبیه

مقدمه

از آنجایی که دانش آموزان به عنوان رکن اساسی نظام آموزشی کشور، در دستیابی به اهداف نظام آموزشی نقش و جایگاه ویژه ای دارند، لذا توجه به این قشر از جامعه از همه جنبه ها اعم از سلامتی، شخصیتی، شناختی و کسب مهارت های مختلف از اهمیت ویژه ای برخوردار است. یاددهی و یادگیری از دیرباز همیشه مورد توجه خاص بشر بوده است. اما امروزه در قرن بیست و یک یادگیری یک عامل راهبردی برای موفقیت افراد و جوامع بشری محسوب میشود. در این قرن، که عصر تغییر از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی است دیگر توسعه چرخهای اقتصادی ملاک و هدف اصلی نیست بلکه توسعه و گسترش منابع انسانی است که ارج و منزلت خود را به عنوان یک کالای با ارزش و استراتژیک در جوامع به ثبت رسانده است.

امروزه یادگیری (آموختن) واژه ای است که در ابتدای امر حتی در امور روزمره پرکاربرد، آشنا و بدیهی به نظر میرسد ولی لازم است در ارائه تعریفی روشن و تعیین مرزهای مشخص کننده آن با سایر فرآیندها و سازه ها، اندکی درنگ و تعمق داشت. به فراگیری یا به تصرف درآوردن دانش، یادگیری گفته می شود که بیان کننده نوعی تغییر در داشته ها است. (هیلگارد، ۱۳۷۱)

یادگیری یک فرآیند اجتماعی است و برای رسیدن به مرحله تولید اندیشه و اطلاعات، انجام فعالیت های یادگیری حیاتی است. تمایل انسان به طور غریزی نگرستن اطراف و گسترش حوزه اطلاعات خود است. یادگیری در تمام صحنه های زندگی انسان نقش مؤثری دارد. این روحیه کنجکاوی از آغاز خلقت تا کنون سبب کسب و تولید دانش شده و همواره به عنوان محرک انسانها مطرح بوده است و آنچه باعث پیشرفت و تفاوت انسانهای امروزی از انسان های نسل قبل از خودشان می شود، همین توانایی است. تعاریف متعددی برای یادگیری وجود دارد که هر یک از آن ها به جنبه های خاصی از فرآیند یادگیری تأکید می کنند و جنبه های دیگر آن را نادیده می گیرند. جامع ترین و مهم ترین تعریف که آن را به هیلگارد و مارکوئیز نسبت داده اند عبارتست از: « یادگیری یعنی تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده، مشروط بر این که این تغییرات بر اثر تجربه رخ دهد. » (نوروزی و نند و نوروزی و نند، ۱۴۰۰)

در میان عوامل مختلف مؤثر بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی، انگیزش نقش مهمی را ایفا میکند. در واقع، انگیزش، موتور محرک تلاش و فعالیت برای یادگیری است و میزان یادگیری دانش آموزان را به حداکثر می رساند (سیف، ۱۳۸۷) انگیزش به نیروی ایجاد کننده، نگهدارنده و هدایت کننده رفتار گفته میشود. از لحاظ پرورشی انگیزش هم هدف و هم وسیله است. مطابق با نظریه های آموزشی انگیزه مفهومی اساسی است که به شکل تعبیر مختلفی از جمله انگیزش یادگیری، انگیزه دانش آموز یا انگیزش تحصیلی به کار می رود. انگیزش تحصیلی به عنوان یکی از هدفهای اساسی آموزش و پرورش به شمار میرود. انگیزش تحصیلی وسیله ای برای کمک به یادگیری دروس گوناگون، امکانی برای یادگیری مادام العمر و به دست آوردن، مهارتهای مورد نیاز حرفه ای و عمومی است. انگیزش تحصیلی به تمایلات، نیازها و عواملی گفته میشود که باعث حضور یافتن یک فرد در محیطهای تحصیلی و به دست آوردن مدرک تحصیلی می شود. بر مبنای نظریه خود تعیین کنندگی دسی و رایان (۱۹۸۵) یادگیرندگان به لحاظ جهت گیریهای انگیزشی در سه طبقه قرار می گیرند: دارای انگیزش بیرونی، دارای انگیزش درونی، و افراد بدون انگیزه.

انگیزه بیرونی ما را به کارهایی بر می انگیزد که نتایج آن برایمان سودمند و خوشایند است و یا ما را از رویدادهای ناخوشایند می رهند اما انگیزه درونی بر خلاف انگیزه بیرونی، به هیچ نوع نتیجه و یا پاداش وابسته نیست و زمانی به وقوع می پیوندد که شخص به خاطر خود فعالیت و بدن توجه به مشوق خارجی یا نتیجه حاصل از کار تلاش می کند.

در تعلیم و تربیت، بحث انگیزه عمدتاً به نکات زیر توجه دارد:

- آماده ساختن دانش‌آموز برای یادگیری
- فعال نگه‌داشتن دانش‌آموز در طول یادگیری
- توجه و دقت برای تمرکز بیشتر

انگیزه تحصیلی به عنوان یکی از هدفهای اساسی در آموزش و پرورش به شمار می‌رود. انگیزه تحصیلی وسیله ای برای کمک به یادگیری دروس گوناگون، امکانی برای یادگیری مادام‌العمر و به دست آوردن، مهارت‌های مورد نیاز حرفه ای و عمومی است. انگیزه تحصیلی به تمایلات، نیازها و عواملی گفته می‌شود که باعث حضور یافتن یک فرد در محیط‌های تحصیلی و به دست آوردن مدرک تحصیلی می‌شود. غالب رفتارهایی که انگیزه تحصیلی را نشان می‌دهند عبارتند از پافشاری بر انجام تکالیف دشوار، سخت کوشی یا کوشش در جهت یادگیری در حد تسلط و انتخاب تکالیفی که به تلاش نیاز دارد.

وجود یا عدم وجود انگیزه در دانش‌آموزان، بر تمامی مسائل مربوط به تحصیل آن‌ها تأثیر مستقیم می‌گذارد. نحوه برقراری ارتباط با معلم و همکلاسی‌ها، میزان زمان و تلاشی که به مطالعه و یادگیری دروس اختصاص می‌دهند، عملکرد آن‌ها در امتحانات و آزمون‌های مختلف و بسیاری موارد دیگر، کاملاً تحت تأثیر میزان انگیزه و علاقه دانش‌آموز به تحصیل و یادگیری است. علاوه بر این، دانش‌آموزان بی‌انگیزه می‌توانند به راحتی سایر همکلاسی‌ها را تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را نیز نسبت به تحصیل و یادگیری ناامید کنند. در صورت علاقه مندی نسبت به تحصیل علم و درس خواندن، دانش‌آموز در انجام تکالیف خود دقت کرده و به توضیحات معلم خود در کلاس توجه لازم را می‌نماید و از طرفی به دنبال دستیابی به اطلاعات بیشتر در زمینه مواد درسی نیز خواهد بود.

پیشینه تحقیق

در این گفتار به اختصار به بیان مطالعات و تحقیق‌هایی که در این زمینه انجام گرفته است، می‌پردازیم:

حسن زاده و مهدی نژاد گرجی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین جهت‌گیری‌های انگیزشی (درونی، بیرونی، و بی‌انگیزشی) و پیشرفت تحصیلی ۳۵۴ دانش‌آموز دختر مقابله متوسطه اول، دوم و سوم در شهرستان بابل در درس زبان انگلیسی پرداختند. پژوهش آن‌ها به شیوه توصیفی-همبستگی انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، مقیاس جهت‌گیری‌های انگیزشی زبان نولز و همکاران (۲۰۰۰) بود و نتایج نشان داد که بین انگیزش درونی و مؤلفه‌های آن و همچنین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و بین انگیزش بیرونی و مؤلفه‌هایش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی رابطه مثبت بسیار ضعیفی وجود دارد. از دیگر یافته‌های این پژوهش آن بود که بین جهت‌گیری بی‌انگیزشی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین آن‌ها به این نکته اشاره کرده‌اند که انگیزش درونی بیشترین سهم را در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی ایفا می‌کند.

یافته‌های پژوهش کوسه‌غراوی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی روش‌های ایجاد انگیزه درسی در دانش‌آموزان ابتدایی پرداخته و نشان دادند دانش‌آموزان برای خوب فهمیدن و خوب درک کردن و یادگیری خوب، به انگیزش نیاز دارند و از عوامل انگیزش درونی و بیرونی، بر انگیزش درونی تأکید می‌شود ولی در شیوه‌های ایجاد انگیزه، روش‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است.

شریفی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی به مطالعه و تحلیل پدیدارشناسانه عوامل موثر در افت انگیزه تحصیلی در دانش آموزان مدارس متوسطه پرداخته و نشان دادند انگیزه تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی، فناوریهای نوین ارتباطی و عوامل اجتماعی قرار میگیرد. نتایج پژوهش شفیع و کرمی (۱۳۹۹) در بررسی انگیزش تحصیلی دانش آموزان نشان داد یکی از فاکتورهای مهم در حوزه تحصیلی، انگیزش تحصیلی است که اگر معلمان بتوانند این انگیزش را در دانش آموز به وجود آورند، راه را برای پیشرفت تحصیلی هموار ساخته اند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل ایجاد انگیزه از دیدگاه نظریه پردازان حوزه آموزشی در دانش آموزان به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد.

یافته های تحقیق

انگیزش، یک مفهوم وسیع است. این مفهوم چندین واژه دیگر را که توصیف کننده عوامل مؤثر در انرژی و هدایت رفتار ما است نظیر: نیازها، علائق، ارزشها، گرایشها، اشتیاقها و مشوقها را دربرمی گیرد. «انگیزش» اسم مصدر از «انگیزیدن» بوده و در لغت به معنای «تحریک»، «ترغیب»، «تحریض» و «هیجان» آمده است. اصطلاح انگیزش (انگیزه) از فعل لاتین (Movere) به معنی حرکت دادن مشتق شده است. مفهوم کلی جنبش و تحرک منعکس کننده این تصور عام است که انگیزش چیزی است که ما را به جنبش و تحرک وادار، و کمک میکند تا تکالیف خود را کامل کنیم. همچنین انگیزش را فرایندی که طی آن فعالیت هدف محور برانگیخته و حفظ میشود نیز تعریف کرده اند.

انواع انگیزش

با توجه به دیدگاه های محققان درباره انواع متفاوت انگیزش، پیوندی میان رفتار مشاهده شده و انگیزه ها که زیربنای رفتار هستند، برقرار است که بعضی از مهم ترین انواع انگیزش در نظر روانشناسان به شرح زیر است: (برزکار، ۱۳۹۴)

۱. فیزیولوژیکی - روان شناختی:

نیازهای جسمی یا فیزیولوژیکی به عنوان زیربنایی ترنی و اساسی ترین نیازها شناخته می شوند که شامل غذا، آب، پوشاک و نیازهای جنسی است و نیازهای روان شناختی مرتبط با فعالیت های ذهنی و اجتماعی است که یک انگیزش مفروض برای برآورده شدن هر یک از آنها وجود دارد.

۲. صلاحیت:

از منظر وایت کودکان در حال رشد، به کشف محیط اطراف خود فعالانه پرداخته و این رفتار ذاتی حاصل نیاز فرد به تاثیرگذاری بر محیط اطرافش است. این نیاز مرتبط با انگیزش کارآیی، انگیزش صلاحیت یا انگیزش تسلط از نظر وایت است.

۳. پیوندجویی یا تعلق:

یکی دیگر از انگیزش‌های روان‌شناختی مهم، تمایل فرد به ایجاد وابستگی‌ها یا نیاز به پیوندجویی یا تعامل با دیگران است

اصول عمومی انگیزش

اصول عمومی انگیزش که در هر موفقیت، یادگیری قابل اجرا می‌باشد شامل موارد ذیل است: (قائمی طلب، ۱۳۹۶)

۱. محیط

می‌توان از محیط بعنوان کانون توجه دانش‌آموزان بر روی آنچه نیاز یادگیری است استفاده نمود؛ معلمینی که جو مرتب، منظم و عملی قابل قبول و گرمی را خلق می‌کنند می‌توانند موجب ارتقاء تلاش مداوم و نگرشهای مساعد برای یادگیری شوند.

۲. تشویق

مشوق‌های برانگیزاننده یادگیری؛ مشوقها شامل مزایای ویژه و در بافت تحسین و ستایش از آموزش دهنده است. مربی مشوقی را تعیین می‌کند که احتمالاً در یک مرحله زمانی ویژه بطور اختصاصی برانگیزاننده است. در موقعیت‌های عمومی یادگیری، خودانگیزشی بدون وجود پاداش موفق نخواهد بود. دانش‌آموزان در یادگیری باید احساس رضایت و خرسندی پیدا کنند. براساس درک اهدافی که برای آنها مفید است و بطور عادی کمتر اتفاق می‌افتد که آنها بطور خالص از کشف چیزهای جدید لذت ببرند. نظریه‌های انگیزش و کاربرد آن‌ها در نحوه یادگیری دانش‌آموزان

۳. انگیزش درونی

انگیزش داخلی دوام و پایداری و خودهدایت‌گری بیشتری نسبت به انگیزش بیرونی دارند که باید مکرراً توسط ستایش و تشویق‌های عینی تقویت شوند؛ بعضی از بچه‌ها بطور اختصاصی و منحصر به فرد در گروه‌های سنی معینی و بعضی از بزرگسالان استعداد و توانایی کمی برای انگیزش درونی دارند و باید هدایت و بطور دائمی تقویت شوند. اساس استفاده از مشوقها بر این اصل است که یادگیری موثرتری رخ می‌دهد. زمانی که دانش‌آموز احساس خرسندی و رضایت را تجربه می‌کند باید در استفاده از پاداش‌های بیرونی احتیاط شود. زمانی که آنها اصلاً مورد نیاز نمی‌باشد استفاده از آنها ممکن است موجب کاهش انگیزش درونی شود.

۴. آمادگی

یادگیری زمانی که یادگیرنده آماده یادگیری است موثرتر است و این زمانی است که او می خواهد چیزی را بشناسد؛ در برخی مواقع دانش آموزان آمادگی بیشتری برای یادگیری دارند و مربی باید این زمانها را توسعه دهد. اگر یک تغییر مطلوب رفتاری نیاز فوری و مبرم است، مربی می‌بایست بطور مستقیم این را هدایت کند تا مطمئن شود رفتار مطلوب رخ می دهد. اگر یک دانش آموز آماده یادگیری نباشد، ممکن نیست دستورالعمل ها را دنبال کند. بنابراین باید هدایت شود و آموزشها بطور مکرر تکرار شود.

۵. سازماندهی

انگیزش بوسیله سازماندهی مواد آموزشی ارتقا می یابد؛ بطور کلی، بهترین سازماندهی مواد آموزشی، اطلاعات معناداری را بطور انحصاری فراهم می کند. یک روش سازماندهی شامل برقراری ارتباط بین وظایف جدید با دانستنی های قبل است. راه دیگر تقویت کردن بیانی از طریق مقایسه و تقابل افکار است که تعیین می کند که آیا افراد آنچه به آنها آموزش داده شده را درک کرده اند یا خیر.

نظریه های انگیزش

انگیزش مشابه با یادگیری مستقیم قابل اندازه گیری نمی باشد. انگیزه متغیری فرضی است که روانشناسان از طریق مشاهده رفتار ارگانسیم آن را استنباط می کنند. در ادامه به تعدادی از این نظریه های انگیزشی در ارتباط با یادگیری می پردازیم :

۱. نظریه انگیزشی مازلو

آبراهام مازلو نظریه ای انگیزشی را مطرح کرده است که نقش مهمی در نظام تعلیم و تربیت آمریکا داشته است. مبنای نظریه وی این است که زیر بنای رشد افراد ارضای نیازهای آنان می باشد. از دیدگاه مازلو، تنها پیوند دهنده علایق متنوع انسان به یکدیگر که مهمترین خصوصیت انگیزشی نیز شمرده می شود، گرایش انسان به نیاز جدید و بالاتر است که با ارضای نیازهای پایین تر بروز کرده و موجب ایجاد انگیزه در افراد می شود ؛ لذا انسان در انجام اعمال و رفتارهای خویش به دنبال ارضای نیازهایش می باشد.

۲. نظریه انگیزش پیشرفت

نظریه انگیزه پیشرفت از جمله نظریه هایی است که به تفاوت انگیزه دانش آموزان در پیشرفت تحصیلی توجه دارد. تاکید این نظریه بر نقش هدف در موفقیت و شکست دانش آموزان است. در این نظریه محققان به این نتیجه رسیده اند که افراد از نظر نیاز به پیشرفت با هم متفاوتند . بعضی افراد دارای انگیزه سطح بالایی هستند و در رقابت با دیگران و در کارهای خود برای کسب موفقیت می کوشند. دیگران انگیزه چندانی برای پیشرفت و موفقیت ندارند و از ترس شکست آماده خطرکردن برای کسب موفقیت نیستند.

مک کالند و همکارانش در سال ۱۹۶۱ کتابی را به نام انگیزه پیشرفت منتشر کردند و در آن عنوان کردند که بلندپروازی در برخی از افراد بیشتر از دیگران بوده و این افراد تلاش بیشتری برای موفقیت در زندگی می کنند. مک کالند در این کتاب مقیاس معروف به آزمون موضوعی را برای تعیین میزان انگیزه پیشرفت تدوین کرد. بر اساس تحقیقات انجام شده افراد با انگیزه یادگیری و پیشرفت بالا جلوتر از افراد بی انگیزه می باشند. در حقیقت این دسته از افراد علاقه دارند تکالیف خود را به شیوه بهتری انجام داده و از انجام کارهای شانس دوری می کنند. همچنین تمایلی به انجام کارهای ساده که نیازمند توانایی خاصی نمی باشد ندارند و اغلب دست به انجام کارهایی می زنند که احتمال پیروزی و شکست آنها برابر است. تا توانمندی های خود را آزموده و با کسب موفقیت احساس رضایت و شادمانی کنند.

اتکینسون اعتقاد داشت در جهت دستیابی به موفقیت، احتمال موفقیت بر آن موثر است. مقدار انگیزه افراد برای انجام عمل یا تکلیفی وابسته به اعتقاد او به احتمال موفقیت در انجام آن عمل یا تکلیف و متناسب بودن پاداش آن با خود عمل است. از این رو می توان احساس موفقیت و تلاش در دانش آموزان را با مد نظر قرار دادن اهداف تکلیف بر مبنای توانمندی های فردی آنان بوجود آورد.

۳. نظریه اسناد

یکی از نظریه های جدید انگیزشی که از نظریه های شناختی روانشناسی انگیزش است نظریه اسناد یا نسبت دادن است. واینر (۱۹۵۸)، نظریه اسناد را مطرح ساخت که به بررسی چگونگی تفسیر فرد از علل موفقیت ها و شکست هایش می پردازد. بر اساس این نظریه، باور ما از پیروزی ها و شکست های خود، انتظار پیروزی ها و ناکامی های آتی، منجر به تعیین انگیزه ما در انجام دادن فعالیت هایی است که احتمال شکست یا موفقیت دارند.

۴. نظریه برانگیختگی

اشاره این نظریه به حالت تهییج، توجه یا گوش به زنگ بودن است. این نظریه از معدود نظریاتی است که در آن برای متغیرهای انگیزشی شاخص های قابل مشاهده و قابل اندازه گیری فیزیولوژیکی وجود دارد. منابع اولیه برانگیختگی گیرنده های دور هستند، مانند اندام های شنوایی و بینایی، اما منابع دیگر تحریک از جمله فعالیت مغز نیز می تواند منجر به برانگیختگی شود. (برزکار، ۱۳۹۴)

۵. نظریه های شناختی و کارآمدی شخصی

تاکید نظریه های شناختی انگیزش بر تفکر که موثر بر انگیزه فرد است، می باشد. مفهوم خودکارآمدی به وسیله بندورا (۱۹۶۸) مطرح شد و آن بخش از "خود" را توصیف می کند که به طور مشخص با ارزیابی و برآورد فرد از اثربخشی شخصی ارتباط دارد. دانش آموزان با میزان خودکارآمدی بالا، در تحصیل نیز ثبات، تلاش، انگیزش و علایق درونی بیشتری دارند. خودکارآمدی را می توان به دو بخش تقسیم کرد :

الف. قابلیت‌ها یا مهارت‌های لازم برای عملکرد موفقیت‌آمیز

ب. ارزیابی ما از توانایی‌ها یا کارآمدی شخصی خود در این قابلیت‌ها و مهارت‌ها.

درک فرد از مهارت‌های حقیقی و توانمندی‌های او در زمینه مهارت‌ها ذهنی است. بندورا، در توضیح ماهیت ذهنی بودن این ارزیابی‌ها، چهار عامل موثر بر ارزیابی‌ها را مطرح می‌کند:

۱. عامل فعالیتی یا عملی: اعمال و رفتارهای شخصی افراد تحت اثر این عامل از انسان سر می‌زند اما امکان دارد این فرضیه صحت نداشته باشد چون پیروزی یا شکست فرد، تابع تفسیر یا اسناد شخصی وی است.

۲. عامل جانشین‌سازی: این عامل در مورد مقایسه‌هایی است که توسط دیگران انجام می‌شود. از جمله مهمترین آنها مقایسه دانش آموزان با همسالان و همکلاسی‌های دیگر است.

۳. عامل تحریکی یا تشویق: در افرادی که تصور می‌کنند کفایت لازم در انجام برخی مهارت‌ها را ندارند، تشویق دیگران می‌تواند به عنوان عامل بسیار مهم و پیش‌رونده ای باشد.

۴. عامل عاطفی: در انجام یک فعالیت میزان علاقه و اشتیاقی که بروز می‌کند عامل عاطفی نام دارد. مقدار معینی از برانگیختگی می‌تواند به موفقیت زیادی منجر شود، اما سطوح برانگیختگی خیلی پایین یا بالا مانند ترس شدید، می‌تواند به ناتوانی و بی‌کفایتی فرد در انجام تکلیف خود منجر شود.

۶. نظریه‌های رفتاری

از دیدگاه کاکس، انگیزه نیرویی سوق‌دهنده است که در صورت اثر اقدامات و تجربه‌های مناسب می‌تواند تغییر یابد. از این رو نظریات و عقاید وی را می‌توان همسو با تفکر رفتارگرایان قرار داد. کاکس، سخن از انگیزش اولیه و ثانویه و نیز انگیزش مثبت و منفی می‌گوید. انگیزش اولیه، از نفس عمل یا خود فعالیت ناشی می‌شود و انگیزش ثانویه نیز به هر نوع گرایش و رغبتی به جز آنها که مستقیماً با پرداختن به خود فعالیت، ارتباط دارند، اطلاق می‌شود. علاوه بر این، اعتقاد کاکس بر این است که پیچیدگی انگیزه از آن روست که منشأ هر دو نوع انگیزش اولیه و ثانویه می‌تواند مثبت یا منفی باشد.

انگیزش تحصیلی از جمله انگیزه‌های درونی است که میزان برآوردسازی آن با توجه به آگاهی فرد از نحوه تاثیر فرآیندهای شناختی - انگیزشی بر روی فعالیت‌های موثر بر پیشرفت تحصیلی می‌باشد. انگیزه تحصیلی در ارتباط با اهداف خاص، نگرش‌های ویژه و شیوه‌های دستیابی به آنها و سعی و تلاش افراد است.

تاکید پژوهشگران و صاحب‌نظران بر این نکته است که در جهت انجام دادن یا ترک کردن رفتاری، می‌بایست انگیزه‌های درونی فرد اصلاح شده و تغییر یابد. زیرا محرک‌های اصلی انجام رفتار، انگیزه‌های درونی است. رفتارهای متکی به انگیزه‌های بیرونی احتمال دارد با قطع انگیزه‌ها، انجام رفتار تکرار نشود اما انگیزه‌های درونی نهادینه شده و در صورتی که منجر به خرسندی و رضایت درونی فرد شود، پایدارتر بوده و فرد با کوشش بیشتری در جهت دستیابی به اهداف خود قدم بر می‌دارد. (مسعودی راد و همکاران، ۱۴۰۰)

عوامل ایجاد انگیزه در دانش آموزان

۱. کلاس و ساختار برنامه درسی

دانش آموزان زمانی که ساختار وجود دارد شکوفا می شوند و زمانی که هرج و مرج وجود دارد مبارزه می کنند. وقتی دانش آموزان احساس می کنند یا می بینند که کلاس ها از یک ساختار پیروی می کنند، و برنامه درسی و مواد کلاس از قبل آماده شده است، احساس امنیت بیشتری برای آنها ایجاد می کند. احساس امنیت یکی از نیازهای اساسی ماست. هنگامی که در یک محیط آموزشی ارائه می شود، به دانش آموزان اجازه می دهد تا به طور کامل بر مواد آموزشی تمرکز کنند. برای کمک به دانش آموزان احساس امنیت بیشتر، مربیان باید کلاس ها و برنامه های درسی را برنامه ریزی کنند. تمام موادی که در کلاس استفاده می شود باید از قبل آماده شوند. مربیان همچنین می توانند اهداف یک درس یا کلاس را در ابتدای یک ترم یا یک کلاس بیان کنند.

۲. رفتار و شخصیت معلم

اگر دانش آموزی احساسات منفی مانند ترس یا بیزاری نسبت به معلم خود داشته باشد، می تواند بر نگرش او نسبت به موضوع به طور کلی تأثیر منفی بگذارد. اگر معلمی نسبت به دانش آموزان خاصی ارجحیت نشان دهد یا از زبان تحقیرآمیز و تحقیرآمیز استفاده کند، می تواند انگیزه آنها را در آموزش کاهش دهد. از سوی دیگر، مهربانی، خوش بینی، بازخورد مثبت و تشویق می تواند بر انگیزه دانش آموزان برای یادگیری تأثیر مثبت بگذارد.

۳. روش های تدریس

اگر مربیان از روش های مختلف تدریس استفاده کنند، دانش آموزان انگیزه خود را در آموزش حفظ می کنند. این باعث ایجاد تنوع می شود و از خسته شدن دانش آموزان جلوگیری می کند. دادن فضا برای انتخاب های خاص، از جمله اینکه با کدام شریکی می خواهند کار کنند نیز می تواند مفید باشد. دانش آموزان در یک کلاس احتمالاً سبک های یادگیری متفاوتی دارند. بنابراین، معلم به احتمال زیاد این نیازها را با استفاده از روش های مختلف تدریس برآورده می کند. در برخی موارد، ثبت نام در فعالیت های فوق برنامه یا حمایت یک معلم خصوصی می تواند به رفع نیازهای دانش آموزان کمک کند که در مدرسه برآورده نمی شوند. یکی دیگر از جنبه های مهم، اطمینان از این است که دانش یا مهارت های آموخته شده را می توان به طور عملی در زندگی واقعی به کار برد.

۴. عادات و مشارکت والدین

تعداد کمی از عادات والدین می تواند به طور غیرمستقیم بر انگیزه کودکان و به ویژه انگیزه درونی تأثیر بگذارد. این شامل:

- نشان دادن علاقه به مطالب آموزشی کودک،
- پرس و جو در مورد روزشان،
- فعالانه گوش دادن،
- کمک به وظایف یا مهارت های خاصی که در مدرسه آموزش داده می شود،
- شرکت در جلسات والدین،
- تشویق کودکان به انجام تکالیف یا مطالعه برای امتحان.

عادت دیگری که ثابت شده است انگیزه را بهبود می بخشد، خواندن است. خواندن برای کودکان کوچک و با آنها به آنها کمک می کند تا سریعتر از صحبت کردن، سواد را توسعه دهند. با این حال، سطح درک مطلب می تواند موفقیت دانش آموزان را در سال های بعد مدرسه تعیین کند.

۵. مسائل خانوادگی و بی ثباتی

همانطور که فقدان امنیت در کلاس درس، فقدان امنیت در خانه می تواند تأثیر منفی بر انگیزه در آموزش داشته باشد. دانش آموزانی که با هر دو والدین زندگی می کنند، به طور متوسط نمرات بهتری نسبت به کودکانی که زندگی نمی کنند، دریافت می کنند. درگیری ها و اختلالات خانوادگی می تواند منجر به عملکرد تحصیلی ضعیف تر شود. برخی از نمونه ها عبارتند از:

- طلاق،
- از دست دادن یک یا هر دو والدین،
- زندگی نکردن با پدر یا مادر بیولوژیکی،
- عدم تماس با پدر یا مادر بیولوژیکی،
- جابجایی مکرر از یک خانه به خانه دیگر،
- بودن یا درگیر بودن با خدمات حفاظت از کودکان.

در نتیجه، در مواردی خاص، ممکن است برای کمک به دانش آموزان در حل مسائلشان، به حمایت بیشتری از سوی مدارس نیاز باشد.

۶. روابط همسالان

همانطور که کودکان بزرگتر می شوند، تأثیر همسالان بر آنها نیز افزایش می یابد. بنابراین، مشکلات و درگیری با همسالان می تواند باعث شود دانش آموزان نسبت به موقعیت اجتماعی خود در بین همسالان احساس امنیت کمتری داشته باشند، سطح استرس آنها را افزایش دهد و انگیزه تحصیلی آنها را کاهش دهد. زیر نظر گرفتن هرگونه درگیری، قلدری و سایر مسائل همسالان می تواند از مشکلات جدی جلوگیری کند.

۷. محیط یادگیری

محیط مدرسه یا جو مدرسه یکی دیگر از عوامل موثر بر انگیزه در آموزش است. جو مدرسه به هنجارها و مقررات مختلفی اطلاق می شود که جو کلی مدرسه را تعیین می کند. محیط مثبت مدرسه باعث می شود دانش آموزان احساس امنیت و آرامش کنند، نیازهای اولیه آنها مانند وعده های غذایی روزانه را برآورده کند و محیطی بهینه برای ایجاد روابط اجتماعی سالم برای آنها فراهم کند. کلاس های زیاد و محیط یادگیری بسیار جدی نیز می تواند انگیزه در آموزش را کاهش دهد. افزودن یک عنصر سرگرم کننده به کلاس ها می تواند به آرامش جو و بهبود انگیزه و نتایج کمک کند. دادن زمان کافی برای بازی و استراحت نیز می تواند تاثیر مثبتی داشته باشد.

۸. ارزیابی

در حالی که ارزیابی استاندارد استانداردهای دستیابی را افزایش می دهد، می تواند بر انگیزه دانش آموزان در آموزش، به ویژه در سنین پایین تر تأثیر منفی بگذارد. عکس این موضوع را می توان در کشورهایی مانند فنلاند مشاهده کرد که در آن کودکان دبستانی هیچ آزمونی دریافت نمی کنند. علیرغم فقدان ارزیابی، کودکان فنلاندی دستاوردهای تحصیلی بالاتری دارند. همچنین در صورتی که آزمون ها به طور مداوم بیش از حد چالش برانگیز باشند، برای دانش آموزان معمول است که انگیزه خود را از دست بدهند. این حس موفقیت را ایجاد نمی کند و انگیزه را در آموزش به مرور زمان کاهش می دهد. بنابراین، برای مربیان مهم است که روش های مختلف آزمون را آزمایش کرده و به کار ببرند که بتواند نیازهای یادگیری متفاوت دانش آموزان را برطرف کند.

تشویق و تنبیه و نقش آن در ایجاد انگیزه یادگیری

تشویق و تنبیه یکی از ابزارهای مهم تعلیم و تربیت است که تأثیر شگرفی بر روابط میان انسان ها، اصلاح رفتار و انگیزه آنها دارد. این ابزار نیز همانند تمامی روش ها و فنون تربیتی، آن گونه از حساسیت خاصی برخوردار است که کاربرد به جای آن آثار مثبت و سازنده و کاربرد نابه جای آن سبب بوجود آمدن رفتارهای منفی و مخرب مانند افسردگی، ناکامی، بی تفاوتی، تعارض و احياناً پرخاشگری در میان معلمان و دانش آموزان می شود. از این مهم تر، کاربرد نابه جای تشویق و تنبیه، نگرش دانش آموز را نسبت به معلم و مدیر و مدرسه به نگرشی منفی سوق می دهد که تنفر، بیزاری، فرار از مدرسه و نظایر آن را موجب می شود. (زمانی، ۱۳۹۱)

از نظر لغوی کلمه تشویق از واژه شوق و علاقه گرفته شده و به باب تفعیل (تشویق) شده است و از نظر اصطلاحی تشویق، بر ایجاد رغبت و علاقه به انجام یک کار در فراگیران گفته می شود. تشویق به عنوان یک نیاز روانی از مهمترین گام های یادگیری دانش آموزان محسوب می شود. وقتی دانش آموز را مورد تشویق قرار می دهیم، فرصتی فراهم می شود تا او به توانایی، ظرفیت و ارزشمندی های خود پی برده و در نتیجه مفهوم مثبت و ارزنده ای از عملکرد مفید خود در ذهن تصویر کند. (کریمی، ۱۳۹۱)

تنبیه در لغت به معنای آگاه کردن و بیدار کردن است. در اصطلاح تربیت و از دید روانشناسان ارائه یک محرک آزار دهنده یا تنبیه کننده به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن آن رفتار است. (سیف، ۱۳۸۷)

تشویق و تنبیه روشهایی هستند که از نظر روان شناسان برای رعایت مقررات و حفظ انضباط باید در آموزشگاهها و محیط های تربیتی به کار گرفته شوند. البته هر کدام از این روشها در موقعیت و شرایط مناسب به کارگیری میشوند و گاه بنا بر شرایط از هر دو این روشها استفاده میشود تشویق یا پاداش در مواردی به کار گرفته میشود که رفتار دلخواه از متری مشاهده شود و مربی بخواهد آن رفتار تکرار شود و ادامه پیدا کند و به صورت عادت در بیاید اما تنبیه در مواردی به کار گرفته میشود که رفتاری ناپسند و خلاف موازین اخلاقی مدنظر مربی صورت گیرد و مربی بخواهد آن رفتار را تضعیف یا خاموش کند البته از تنبیه های شدید و درد آور و مخرب در برابر خطاهای کوچک چشم پوشی کرد یا از تنبیه های گروهی برای اشتباهات فردی، به ویژه تنبیه بدنی کنایه آمیز و توهین خودداری کرد؛ چون این تنبیهات غالباً در ضمیر و روان متری کنید و روحیه انتقام جویی ایجاد میکند.

در مورد تنبیه میتوان دو نقش قائل شد. اول اینکه جلوگیری میکند از رفتار ناپسند و نامطلوب تنبیه موجب تضعیف یا عدم تکرار رفتار ناپسند از طرف فرد می‌شود در واقع تنبیه این پیام را را فرد میدهد که به خاطر رفتار ناپسند که داشته مورد نقش دوم تنبیه این است که کودکی را متوجه میکند که رفتاری که انجام داده است مورد قبول محیط اجتماعی نیست و در واقع فرد را با انتظارات محیط اجتماعی اش آگاه می‌کند بنابراین دومین نقشی تنبیه نقش آگاهی بخشی به فرد خنثی‌کننده است یکی از نکات اساسی که در استفاده از روش تنبیه باید به آن توجه کرد این است که تنبیه باید متناسب با خطای فرد باشد و از تنبیه های سخت برای خطاهای کوچک یا بالعکس از تنبیه های نرم برای خطاهای بزرگی پرهیز کرد و به گونه ای تعادل را باید در این باب رعایت کرده برای اینکه فرد متوجه اشتباهش شود و اشتباه خود ببرد باید تنبیه را بلافاصله بعد از انجام رفتار نامطلوب و مشاهده آن اجرا کرد. همچنین اگر پی به اشتباه خود ببرد باید تنبیه را بلافاصله بعد از انجام رفتار نامطلوب و مشاهده آن اجرا کرد همچنین اگر دلیل تنبیه برای فرد مشخص شود تاثیر گذاری تنبیه به مراتب بیشتر می شود در مجموع از مباحث و نظرات روان شناسان در زمینه آموزش و یادگیری می توان نتیجه گیری کرد که غالباً تشویق و دادن پاداش به دانش آموزان بر تنبیه اولویت دارد آنها بیشتر بر تقویت دادن پاداش در مقابل اعمال و رفتارهای مطلوب تاکید می کنند تا تنبیه و تنبیه را به عنوان آخرین روش در تغییر رفتار، آن هم به شکل ساده مورد توجه قرار داده اند که به این نظر اسلام نیز نزدیک تر است. (براهینی، ۱۳۸۵)

در صورتی که تشویق منحصراً بر اساس محرک های بیرونی باشد، به تدریج به عنوان عاملی ضد تشویق عمل خواهد کرد. به عبارت دیگر تشویق های بیرونی مانعی در جهت تقویت درونی می باشد. ذکر این نکته ضروریست که پاداش تا حدی برای ایجاد رفتار مطلوب مفید است اما اکثر والدین و معلمان این ابزار را در جهت تسهیل و تسریع رفتار مورد انتظار خود از دانش آموزان و بدون توجه به عواقب سوء احتمالی آن بکار میگیرند.

در صورتی که رفتار دانش آموز و انگیزش پیشرفت وی را بوسیله مشوق های بیرونی از جمله کارت آفرین و جایزه و انواع تحسین های لفظی شرطی کنیم، آزادی و رشد طبیعی را از او سلب و رفتار وی را با ضوابط و معیارهای از پیش تعیین شده قالب سازی کرده ایم. این نوع از دادن پاداش مانعی برای شوق یابی و انگیزه درونی می گردد. هر چقدر معلمان با استفاده از روش های متفاوت موجب ایجاد انگیزه در دانش آموزان گردند، اما نباید مشوق های بیرونی را جایگزین انگیزه های درونی کرد. صاحب نظران تعلیم و تربیت برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان اهمیت فراوانی قائل هستند، به طوری که عده ای آن را رمز یادگیری دانسته اند و بخش عمده ای از فرآیند یادگیری را در چگونگی برانگیختن می دانند.

در صورت وجود انگیزه یادگیری و پیشرفت و ترقی در دانش آموزان، آن ها خود به خود راه مواجهه با موانع را به شرط فراهم بودن مقتضیات رشد، فرا خواهند گرفت. آزمایش هایی که در مورد دانش آموزان با انگیزه و بدون انگیزه با وجود داشتن هوش بالا انجام گرفته است نشان می دهد که دانش آموزان با انگیزه پیشرفت نسبت به دانش آموزانی که فاقد انگیزه هستند، موفقیت بیشتری دارند. (کریمی، ۱۳۹۱)

شرایط تاثیر گذاری تنبیه

همانطور که برای تاثیر گذاشتن تشویق شرایط وجود دارد و نکاتی باید رعایت شود در زمینه تنبیه نیز باید شرایطی رعایت شود تا تاثیر گذاری آن تضمین شود از جمله شرایطی که نیاز است تا تنبیه در اصلاح رفتار فرد موثر واقع گردد میتوان به موارد زیر اشاره کرد: (غلامعلی تبار، ۱۳۹۵)

۱. تنبیه باید فوری و بلافاصله بعد از انجام رفتار نامناسب و نامطلوب اعمال شود چنانچه بین رفتار نامطلوب و اعمال تنبیه فاصله بیفتد فرد خطا کار نمیتواند بین عمل خود و تنبیه صورت گرفته ارتباط برقرار کند. برای مثال اگر معلم در زنگ اول تکالیف بچه ها را نگاه کند باید در همان زمان بازخورد لازم را به دانش آموزان بدهد اگر معلم بازخورد را در زنگهای بعدی به بچه ها بدهد آنها نمیتوانند ارتباط لازم را بین کم کاری خود و تنبیه اعمال شده برقرار کنند.

۲. مورد دیگری که باید در رابطه با اعمال تنبیه مدنظر قرار گیرد این است که با یک پاسخ مطلوب دیگر در برابر شخص قرار داشته باشد به طور مثال کودکی را در نظر بگیری که دوست دارد با بچه همسایه بازی کند و شما کودک همسایه را همبازی خوبی برای او نمیدانید در این حالت، باید سعی کنید کودک دیگری را که از نظر شما همبازی خوبی برای فرزند شماست به فرزند خود معرفی کنید چرا که نفس بازی با همسالان برای کودک مفید است و در صورت حذف این مورد بدون جایگزین مناسب این احتمال وجود دارد که فرزند دچار خطاها و اشتباهات دیگری شود.

۳. نکته دیگری که برای تاثیر گذاری تنبیه باید مورد توجه قرارداد این است که رفتار مورد مجازات باید دقیقاً تعریف شده باشد فرد مورد باید دقیقاً بداند که چه رفتاری چه نوع تنبیهی به دنبال دارد به خصوص در جایی مانند مدرسه که عده تنبیه کنندگان و تنبیه شوندهگان زیادند تعیین دقیق رفتاری که ممکن است سبب تنبیه شود ضروری میباشد در این صورت تعارض و تناقض در مورد رفتار نامطلوب از بین می رود. پدر و مادری را در نظر بگیرید که یکی نسبت به رفتاری در کودک یا کودکان خود خود اغماض میکند و دیگری به شدت مانع بروز این رفتارها شود و به تنبیه متوسل میگردد به احتمال زیاد این تنبیه بی اثر است. اگر چنانچه تنبیه موثر واقع نشد، باید فوریت، شدت، ثبات و امکان وجود رفتار مطلوب دیگری را برای جایگزینی بررسی کرد راه دیگر نادیده گرفتن رفتار نامطلوب و توجه و تقویت رفتار مطلوب است. (سیف، ۱۳۸۷)

تقویت

تقویت از جمله عواملی است که معلمان برای اینکه دانش آموزان آنها رفتار مطلوب و پسندیده انجام دهند، از آن استفاده می کنند. تقویت از لحاظ اثر به دو نوع مثبت و منفی تقسیم بندی می شود. (زمانی، ۱۳۹۱)

۱. تقویت مثبت

روش تقویت مثبت تقریباً همان روش متداولی است که معلمان به دانش آموزان خود پاداش می دهند یا در اصطلاح آنان را تشویق می کنند، اما بین پاداش و تقویت مثبت اندک تفاوتی وجود دارد. از این رو روانشناسان به جای پاداش از اصطلاح دقیق تر تقویت مثبت استفاده می کنند. در پاداش دادن به افراد، هدف به طور عمده قدردانی و سپاسگزاری از رفتارهای گذشته فرد است و احتمالاً باعث تکرار رفتار در آینده خواهد شد اما در تقویت مثبت هدف الزاماً تکرار شدن رفتار است. تقویت مثبت بهترین و مؤثرترین روش افزایش و تکرار انجام رفتار است.

۱-۱. تقویت کننده های نخستین

تقویت کننده های مثبت نخستین ذاتاً اثر تقویتی دارند و نیازهای فیزیولوژی بدن را برطرف می کنند. مانند آب، غذا، هوا و...

۱-۲. تقویت کننده های شرطی

تقویت کننده های شرطی در اصل خاصیت تقویت کنندگی نداشته اند، اما طبق قانون شرطی سازی بر اثر مجاورت با تقویت کننده های نخستین خاصیت تقویت کنندگی پیدا کرده اند. مانند جایزه، نمره، پول، مدرک تحصیلی

۱-۳. تقویت کننده های فعالیتی

استفاده از تقویت کننده های فعالیتی به این صورت است که از فعالیت های مورد علاقه دانش آموزان می توان به عنوان تقویت کننده ای برای انجام فعالیت های استفاده کرد که دانش آموزان رغبتی به انجام آنها ندارند. مطابق این اصل به دانش آموزی که زیاد به تماشای برنامه های تلویزیون می نشیند و تکالیفش را انجام نمی دهد، گفته می شود که در صورت انجام دادن تکالیف مدرسه اش می تواند به تماشای برنامه های تلویزیون بپردازد.

۲. تقویت منفی

علاوه بر تقویت مثبت، تقویت منفی نیز موجب افزایش انجام رفتار می شود. اما تفاوت این دو روش در آن است که در تقویت مثبت ارائه تقویت کننده، احتمال انجام و تکرار رفتار را افزایش می دهد، درحالیکه در تقویت منفی، حذف تقویت کننده منفی یا جلوگیری از وقوع آن، باعث انجام رفتار می شود.

مشکل بزرگ استفاده از تقویت منفی این است که ابتدا باید محرک را در مورد شخص اعمال کنیم تا بعد بتوانیم با حذف آن محرک، رفتار دلخواه خود را در دانش آموز نیرومندتر کنیم. مثلاً برای اینکه کودک از ترس تنبیه شدن درس بخواند باید قبلاً تنبیه شده باشد یا شاهد تنبیه شدن دیگران بوده باشد. بنابراین تقویت منفی یکی از شیوه های نامطلوب تغییر رفتار است و ارائه تقویت کننده مثبت تأثیر بیشتری در شکل گیری رفتار مطلوب در دانش آموزان دارد.

تشویق درونی به جای تشویق بیرونی

اگر کودکان آنچه را انجام می دهند، دوست داشته باشند، بهتر انجامش خواهند داد. آنچه در انگیزه مهم است میزان آن نیست بلکه منشأ و ماهیت آن است. تشویق و انگیزه بیرونی هر قدر هم زیاد باشد، می تواند در عمل مانعی برای موفقیت باشد. هدف باید پرورش کودکانی باشد که مشتاق کسب موفقیت در مدرسه باشند و همچنین کنجکاو و علاقه مند به دانستن به گونه ای که یادگیری به هیجانشان آورد و خارج از مدرسه نیز در پی فرصتی برای دنبال کردن علایق خود باشند.

اینکه به دانش آموزان گفته شود دقیقاً چه کاری را باید انجام دهند یا با استفاده از مشوق های بیرونی آنها وادار به انجام آن کار شوند، اغلب به احساس عجز و اضطراب در آنها دامن زده می شود. پژوهش ها نشان داده اند که محیط کنترل کننده، علاقه فرد به کار را کاهش می دهد. یعنی خاصیت انگیزه کشی کنترل می تواند چونان زهر، نگرش به فعالیتهای جدید را نیز مسموم کند. معیارهای کنترل کننده فرد را از کنکاش در مورد موضوعات با ارزش دور می سازد.

ارزشیابی ها، اهداف و پاداش هایی که منشأ بیرونی دارند به سبکی از آموزش و یادگیری منجر می شوند که درست نقطه مقابل یادگیری کیفی یعنی یادگیری ماندگار، عمیق و یکپارچه در مدارس است. (کریمی، ۱۳۹۱)

بحث و نتیجه‌گیری

انگیزه از جمله عواملی است که می‌تواند در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، نقشی مؤثری داشته باشد. بر طبق نظریه دسی و رایان رفتارهای بر مبنای انگیزش درونی صرف نظر از نتایج فعالیت، با کسب لذت و ارضای خاطر از آن انجام می‌شود؛ اما در مقابل رفتارهایی با انگیزش درونی، رفتارهایی با انگیزش بیرونی نیز وجود دارد که برای کسب یک هدف ابزاری مانند کسب پاداش یا اجتناب از تنبیه، انجام داده می‌شود. بدین معنا که فعالیت نه به خاطر خود آن، بلکه برای رسیدن به یک نتیجه انجام داده می‌شود.

صاحب‌نظران تعلیم و تربیت برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان اهمیت فراوانی قائل هستند، به طوری که عده‌ای آن را رمز یادگیری دانسته‌اند و بخش عمده‌ای از فرآیند یادگیری را در چگونگی برانگیختن می‌دانند. در صورت وجود انگیزه یادگیری و پیشرفت و ترقی در دانش‌آموزان، آن‌ها خود به خود راه مواجهه با موانع را به شرط فراهم بودن مقتضیات رشد، فرا خواهند گرفت. آزمایش‌هایی که در مورد دانش‌آموزان با انگیزه و بدون انگیزه با وجود داشتن هوش بالا انجام گرفته است نشان می‌دهد که دانش‌آموزان با انگیزه پیشرفت نسبت به دانش‌آموزانی که فاقد انگیزه هستند، موفقیت بیشتری دارند. بهترین راه ایجاد علاقه در یادگیرندگان بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفی روشهای آموزشی است. از این طریق یادگیرندگان به موفقیت بیشتر در یادگیری نائل می‌آیند و این کسب موفقیت علاقه و انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطالب تازه افزایش می‌دهد.

تشویق و تنبیه یکی از ابزارهای مهم تعلیم و تربیت است که تأثیر شگرفی بر روابط میان انسان‌ها، اصلاح رفتار و انگیزه آنها دارد. تشویق در اندازه‌ی مطلوب و حساب شده می‌تواند اثرات قابل توجهی به بار آورد. تشویق مانند داروی شفابخش است که باید بصورت دقیق و به میزان کافی و با دقت از آن استفاده شود. و چه بسا کم و زیاد شدن آن و افراط و تفریط در آن و بموقع نبودن آن اثرات نامطلوبی به بار می‌آورد. تشویق موجب علاقمند نمودن دانش‌آموزان به درس می‌شود هر چند دانش‌آموزان با شوق و ذوق بیشتری درس را فراگیرند بیشتر به موضوع درس علاقمند خواهند شد و همین امر نقش بسیار مهمی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد.

منابع

۱. برزکار، ابراهیم؛ انواع انگیزش و نظریه های انگیزش، ۱۳۹۴، <http://ebarzkar.blogfa.com/tag>
۲. براهینی، محمدتقی؛ (۱۳۸۵)، زمینه روانشناسی، جلد ۱، تهران، انتشارات سمت
۳. زمانی، داوود؛ اهمیت تشویق و تنبیه در محیط آموزشی، ۱۳۹۱،
<http://zamani2012.blogfa.com/post/35>
۴. سیف، علی اکبر؛ (۱۳۸۷)، روانشناسی پرورشی نوین؛ روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: نشر دوران
۵. غلامعلی تبار فیروزجائی، حامد؛ (۱۳۹۵)، بررسی روش های تشویق و تنبیه در تربیت اجتماعی با تأکید بر تعالیم اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران،
۶. قائمی طلب، فرشته؛ (۱۳۹۶)، نظریه های انگیزش و کاربرد آن ها در نحوه یادگیری دانش آموزان،
<http://behinegi.com>
۷. کریمی، عادل؛ آسیب شناسی تربیت پاداش گرا، ۱۳۹۱،
<https://adelehkarimi.blogspot.com/1391/08/25/post-69/>
۸. مسعودی راد، امیرحسین؛ بهنام، رسول؛ مسعودی راد، مانده؛ (۱۴۰۰)، بررسی نقش تشویق و تنبیه به عنوان دو مولفه تربیتی، مجله نخبگان علوم و مهندسی، جلد ۶، شماره ۴، ۶۴-۵۶
۹. نوروزی وند، حامد؛ نوروزی وند، طاهره؛ بررسی یادگیری مشارکتی دانش آموزان، مجله پژوهش های معاصر در علوم و تحقیقات، ۳ (۲۵)، ۱۴۰۰، ۱۰۱-۸۳
۱۰. هیلگارد.ا.؛ باور.گ.؛ نظریه های یادگیری. برگردان محمدنقی براهنی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱

Examining motivational factors from the point of view of educational theorists in students

Jasem Arzi Boozeanjani¹, Malihe Ghasemi nejad², Atyeh Vziri Jamil³

¹ Master of English Language Teaching, Shiraz University

² Master of Mathematics, Birjand National University

³ Bachelor of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabatabai Campus University of Urmia

Abstract :

Motivation can be defined as a factor that empowers, guides and maintains behavior. In fact, motivation is something that makes a person go forward; It keeps moving and determines where to go. Learning motivation in students means their internal desire for long-term and quality participation in the learning process, and to remain committed to this process. This desire can be caused by internal motivations or external sources. The current research was conducted with the aim of investigating the motivational factors from the point of view of theorists in the field of education in students and by a descriptive-analytical method. The findings of the research indicate that motivation is one of the most important elements of effective learning and teaching, which prepares the student for learning, keeps him active during learning, and increases his attention and accuracy for greater concentration. Among the effective factors in creating motivation, encouragement and punishment can be mentioned. The role of encouragement in creating interest and motivation is far more important and effective than the role of punishment and causes more stimulation of students' abilities towards academic progress.

Key words: Motivation, learning, students, encouragement, punishment
